

سنجش تأثیر نظری رویکرد اخباری‌گری بر خوانش‌های آسیب‌زا از آموزه مهدویت در اندیشه شیعی معاصر*

سیدمحمد کاظمی شیخ شبانی^۱

امیرمحسن عرفان^۲

چکیده

در نگاه عالمان اخباری، روایات اهل بیت علیهم‌السلام تنها منبع معتبر در معرفت دینی به شمار می‌رود. نگرش اخباری هرچند امروزه به عنوان مکتبی زنده در منظومه معرفت دینی حضور ندارد، ولی رسوبات فکری آن هنوز در استنباطات فقهی، رهیافت‌های تفسیری، مباحث اخلاقی و مسائل کلامی، به‌ویژه مهدویت به چشم می‌خورد. به جهت بهره‌مندی از تمام ظرفیت و اهداف بلند این آموزه و دور ماندن از آسیب‌های این نگرش و جلوگیری از تبدیل شدن مهدویت به یک گفتمان ایستا و خنثی، شناخت تأثیرات نظری این رویکرد بر اندیشه شیعی معاصر در این حوزه ضرورت دارد. رویکرد اخباری سبب شده این عالمان دینی نگاهی قشری، جزیره‌ای و به دور از عقلانیت به معارف مهدوی داشته، به نقش اراده انسانی در رخداد‌های اجتماعی اعتنا نکنند، به مشروعیت تشکیل حکومت در دوران غیبت به دیده تردید بنگرند، تلقی جامع به آموزه انتظار نداشته و صرفاً تفسیری فردگرایانه، نجات‌بخش، احساسی و به دور از نگاه تمدنی به این گفتمان ارائه دهند و با معرفت‌بخش دانستن خواب، به تطبیق‌گرایی روی آورند. این پژوهش از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی-تبیینی و با رویکرد انتقادی خواهد بود.

واژگان کلیدی

اخباری‌گری، مهدویت، علمای معاصر، عقلانیت، حجیت عقل، فهم روایات.

مقدمه

اخباری‌گری مکتبی است، نص‌گرا که در قرن یازدهم هجری قمری، توسط ملا محمدامین استرآبادی تأسیس یا تروج شد (بهشتی، ۱۳۹۰: ۱۶؛ رابرت گلیو، ۱۳۹۶: ۹۱). باورداشت

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲

۱. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول)
(smksh1368@gmail.com)

۲. استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم، ایران (erfan@maaref.ac.ir)

این مکتب آن است که تنها منبع معرفت دینی روایات اهل بیت علیهم‌السلام بوده و دیگر منابع دینی همچون قرآن، عقل و اجماع حجیت ندارند (استرآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۸۰). این جریان بیشتر در فقه و استدلال‌های فقهی خودی نشان داد و بر علیه اصولیان و نگاه‌های اصولی، همچون اجتهاد و تقلید، تنويع حدیث، و... شورید و به مدت دو قرن به حیاتش ادامه داد. به عقیده بسیاری از بزرگان و علمای اصولی، این جریان توسط وحید بهبهانی (م. ۱۲۰۵ق) با تألیف کتاب *الفوائد الحائریه* به محاق رفت (بهشتی، ۱۳۹۰ش: ۱۶). در این نوشتار رویکرد اخباری‌گری به عنوان یک نوع روش فهم دین، به عنوان یک علت، نه معلول در برداشت سطحی، جزیره‌ای، جزئی، غیرجامع و یا غلط از باورداشت مهدویت و اکاوی و مورد پژوهش قرار می‌گیرد. در صورت وجود چنین رویکردی در اندیشه و کنش عالمان شیعی معاصر و حوزه‌های علمیه به عنوان بستر رشد اندیشمندان دینی و پیامدهای منفی این رویکرد همچون نگاه سطحی به مسئله مهدویت و عدم برخورداری از ظرفیت بی‌ظنیر مهدویت، تبیین و راهکاری مناسب برای عدم آسیب‌پذیری از این اندیشه و استفاده از تمام ظرفیت مهدی‌باوری لازم و پرداختن به این پژوهش را ضروری می‌نماید. این رویکرد اگر چه در فقه و استدلال‌های فقهی همچون گذشته بالنده و پررونق نیست، ولی بدون شک در سایر مباحث دینی همچون اعتقادات، اخلاق، تفسیر و... زنده است و می‌توان برخی از عالمان اصولی معاصر را اخباری‌های اصولی نما خطاب کرد (مطهری، ۱۳۸۹ش: ج ۲۲، ۸۸۱). در این پژوهش تأثیر رسوبات این تفکر بر اندیشه شیعی معاصر و حوزه‌های علمیه در مسئله مهدویت بیان می‌شود. از جمله پیامدهای این رویکرد بر اندیشه شیعی معاصر در مسئله مهدویت می‌توان به فقدان تلقی جامع به آموزه مهدویت، عدم باور به تشکیل حکومت در زمان غیبت، عدم ارائه عقلانیت دینی در تحلیل روایات آخرالزمانی، فقدان چشم‌انداز فرهنگی و تمدنی، تقلیل‌گفتمان انتظار به یک گزاره صرفاً دینی، به وجود آمدن برداشت‌های ناصواب و جریان‌های انحرافی و... اشاره کرد. در عصر حاضر با توجه به عقلانی‌اندیشیدن بسیاری از افراد جامعه، پیشرفت علوم تجربی و سرریز شدن شبهات اعتقادی به افکار و اذهان مردم، بیان معارف دین با پشتوانه عقلی و رویکرد عقلانی و دوری از نص‌گرایی افراطی، خصوصاً در حوزه مهدویت، از هر دوره‌ای ضرورتش بیش از گذشته رُخ‌نمایی می‌کند، ولی سوگمندان احساس امنیت کاذب فکری در جریان نواخباری سبب شده که تهدیدهای فکری و علمی نوظهور علیه دین درک نشود. (صادقی‌رشاد، ۱۳۸۸: ۴۲) این پژوهش از آن‌جایی که به دنبال کشف نقش رویکرد اخباری‌گری بر اندیشه شیعی معاصر است و به توصیف و تحلیل تأثیر رویکرد اخباری‌گری بر

فهم عالمان شیعی معاصر در آموزه مهدویت توجه دارد و به آن می‌پردازد از نظر روش اجرای تحقیق، توصیفی - تبیینی و با رویکرد انتقادی خواهد بود.

پیشینه پژوهش

تالیفات فراوانی را می‌توان در موضوع اخباری‌گری یافت که برخی پژوهشگران این جریان و رویکرد را از لحاظ تاریخی و مبانی اندیشه‌ای مورد بحث قرار داده‌اند، اما تاکنون اثری مستقل و منسجم که بتواند به صورت مفصل و متمرکز مسئله این تحقیق را بررسی کند یافت نشد و تنها می‌توان محتوای این موضوع را از لابه‌لای تالیفات مرتبط که به صورت پراکنده و خلاصه‌وار بیان شده به دست آورد.

کتاب‌هایی همچون *اخباری‌گری (تاریخ و عقاید)* از ابراهیم بهشتی؛ *اسلام نص‌گرا (تاریخ و عقاید اخباریان شیعه)* از رابرت گلیو؛ *مصادر الاستنباط بین الاصولیین و الاخباریین* از محمد عبدالحسن محسن الغراوی؛ *آسیب‌شناسی تسامح در نقل روایات مهدویت با تأکید بر آثار روایی معاصر از خدامراد سلیمیان*؛ *جریان‌شناسی انجمن حجتیه* از سیدضیاء الدین علیان‌سب و سلمان علوی‌نیک؛ *مهدویت؛ رویکردها و چالش‌ها* از مهدی مهریزی و مقاله‌های «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها» از محمدصابر جعفری؛ «آثار مثبت و منفی حرکت اخباریان» از محسن جهانگیری؛ «آسیب‌شناسی جریان شریعت‌گرایی سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت» از ابوذر رجبی؛ «پیامدهای سیاسی بازتولید اندیشه اخباری‌گری بر گفتمان انقلاب اسلامی» از داود فیض‌افرا و دیگران بخشی از آثار مرتبط با موضوع و مسئله تحقیق به شمار می‌روند. وجه تمایز این تحقیق با پژوهش‌های سابق عدم اشاره آثار گذشته به تأثیر رویکرد اخباری‌گری به عنوان یک خوانش در معرفت‌دینی در اندیشه و کنش اندیشمندان شیعی معاصر در حوزه مهدویت است. نگارنده در این پژوهش اصرار بر استمرار و تداوم اخباری‌گری و حضور رسوبات فکری این جریان در آموزه مهدویت دارد. بی‌اعتنایی به آموزه‌های قرآنی، محکومات روایی و برداشت‌های عقلانی از شاکله معرفت‌دینی نقطه اشتراک اخباریان و نواخباریان است. هرچند اخباریان روایت بسندگی را پذیرفته‌اند ولی نواخباریان به دیگر منابع توجه دارند ولی روایات در فهم دینی آنها محوریت دارد و می‌توان این گروه را نص‌گرای افراطی خطاب کرد و از این جهت با اخباریان مصطح تفاوت‌نگرشی و روشی دارند.

تأثیرات نظری رویکرد اخباری‌گری بر خوانش‌های آسیب‌زا از آموزه مهدویت

اگر تأثیرات رویکرد اخباری‌گری بر اندیشه شیعی معاصر در مسئله مهدویت را به درستی

واکاوی گردد و در یک نگاه گذرا و کلی بررسی نمائیم، خواهیم دید که برخی در بُعد نظری تأثیرپذیری جدی از این رویکرد داشته‌اند. هر چند برشمردن و تبیین تمامی اثرات خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد، اما در این نوشتار صرفاً مهم‌ترین تأثیرات این رویکرد در بُعد نظری را طرح و مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

نمودار بازتاب تفکر اخباری‌گری بر مهدویت‌نگری در جهان شیعی معاصر



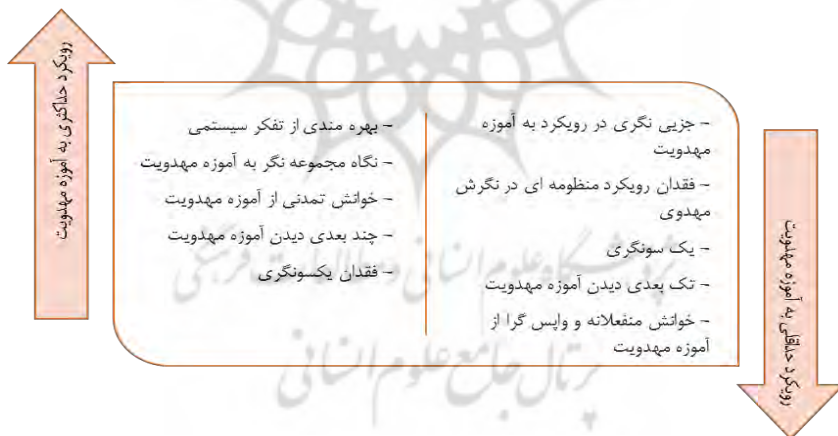
۱. تلقی جزئی و یکسوگرانه از گفتمان انتظار

باتوجه به ویژگی فطری بودن و فرادینی بودن آموزه انتظار، پیروان سایر مذاهب و ادیان الهی، صرف‌نظر از نام، و شخصی یا نوعی بودن مهدی، به یک برپا دارنده عدل و داد و به انتظار ظهور او معتقدند. انتظار می‌تواند به عنوان یک عقیده مشترک و همگانی بین تمامی ادیان الهی وحدت و همدلی ایجاد کند و سبب تربیت نفوس، رشد و تهذیب اخلاق، به کمال رسیدن ویژگی‌های انسانی و تقویت نیروی اراده و ایمان تمامی پیروان ادیان آسمانی شود، بنابراین نباید از این عنصر مهم در تعاملات دینی با دیگر ادیان غفلت کرد و لازم است از این آموزه برای فراهم کردن شرایط ظهور و ایجاد تمدن نوین اسلامی بهره‌برد (صدر، ۱۴۲۷ق: ج ۲، ۲۹۲-۲۹۱؛ الهی‌نژاد، ۱۳۹۷ش: ۵۰). نگرش کل‌بینی و تفکر سیستمی و دوری از نگاه عنصرگرایی، به عالم دینی این امکان را می‌دهد که در یک سیستم، وزن و سهم تأثیر هر جزء را نسبت با دیگر اجزاء و عناصر ببیند و یک جزء حقیقت‌نما را به عنوان کل و معرفت حقیقی، و بخشی از اسلام را به مثابه کل اسلام معرفی نکند. به بیانی دیگر این نوع نگرش به مهدویت و مقوله انتظار سبب شده، پاره‌ای از معارف مهدوی برجسته و سایر اجزاء و ساحت‌های مهدوی مغفول‌نماند (خسروپناه، ۱۳۸۲ش: ۱۴۸). برخلاف نگاه مجموعه‌نگر، جزئی‌نگری و عدم

اشراف کافی به منظومه معارف مهدوی یا عدم اعتنا به برخی منابع معرفتی در این حوزه، سبب شده یک یا چند آیه، روایت و یا گزاره دینی، با دیدن پیوندها و در یک نظام حلقوی و هرمی مورد فهم قرار نگیرد و دیدی کلی و اندیشه‌ای وسیع و صحیح به دست نیاید و در نتیجه مهدویت پژوه در انواع ساحت‌های مطالعات مهدوی در دام نگاه‌های یکجانبه‌نگر و تک‌بعدی قرار بگیرد و نگاهی حداقلی به آموزه انتظار به دست آید(همان).

رویکرد حداقلی، قرائتی منفعلانه و واپس‌گرایانه‌ای است که سال‌ها حاکم بر رفتار اجتماعی و ادبیات سیاسی بسیاری از شیعیان بوده و پدیده ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه را تنها معلول مشیت و اراده الهی می‌داند و برای انسان‌ها اساساً نقش چندانی قائل نیست. این نگاه سطحی متأثر از دیدگاه عالمان این عرصه است که بر اجتماع و دیدگاه عموم نیز تأثیر خود را گذاشته است. این نوع برداشت عقیم از گفتمان مهدویت و انتظار که نتیجه‌ای جز مسئولیت‌گریزی و عدم تکلیف در بهبود بخشی مسائل سیاسی و اجتماعی ندارد، ناشی از روایت محوری - آن هم به صورت نگاه سطحی و جزیره‌ای - و عدم توجه به معارف قرآن و داده‌های عقلی است (شجاعی مهر و نجف لک‌زایی، ۱۳۹۷ش: ۲۴۹).

نمودار تمایزات رویکرد حداقلی و حداکثری در خوانش از آموزه مهدویت



در این رهیافت که از دریاچه مسائل فقهی به جامعه نظر می‌شود و غالباً ابعاد فردی انسان مورد توجه است، تبیین مقوله انتظار متکی به سند و مدرک معتبری نیست و نگاه جزئی از نقص‌های جدی این رهیافت به شمار می‌رود و فلسفه قیام و انگیزه‌های قیام مصلح جهانی و آثار و پیامدهای حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه مورد غفلت واقع می‌شود. کثرت روایاتی که شیعیان را در زمان غیبت به دعای فرج ترغیب و توصیه می‌کنند سبب شده که صاحبان این رویکرد

حداقلی عمده وظیفه یا تمام وظیفه شیعیان در دوران غیبت را دعا و مناجات و اشک بدانند و از هرگونه حرکت تحول آفرین و زمینه ساز برای تعجیل فرج و ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه دوری گزیده و دعابسندهی را برگزیده‌اند. آنها بدون توجه به آموزه‌های قرآنی، محکمات دینی در رابطه با ظلم ستیزی و ایستادگی در مقابل ظالمان، به جای آن که نگاه‌شان به دعا به عنوان بستر ساز و مکمل آمادگی برای فرج باشد، فرج را یک امر حصولی پنداشته‌اند و بدون تلاش برای تحصیل آن، دعا را تنها نسخه شفابخش درد غیبت تلقی می‌کنند (باقی، ۱۳۶۳ ش: ۱۳۱).

مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های متعدد خود بر عمل بودن انتظار تأکید کرده و صرف اشک و مناجات را به عنوان وظیفه منتظران کافی ندانسته و فرمودند: انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه آماده کنیم (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱).

امام خمینی رحمته الله علیه که نگاهی جامع و رویکردی حداکثری به آموزه مهدویت دارد، باره دعابسندهی و انتظار حداقلی، زمینه سازی ظهور را تکلیف جامعه منتظر دانسته و آن را به عنوان تفسیر واقعی انتظار ظهور معرفی می‌کند. ایشان می‌فرماید:

ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌های مان، تسبیح را دست بگیریم و بگوئیم «عَجَّلْ عَلَيَّ فَرَجِي». عَجَّلْ، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. همه با هم بشوید. این شاء الله ظهور می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۱۸، ۲۶۹).

این گونه تذکرات در گفتار عالمان جامع نگر به دلیل آن است که چنین فهم‌های ناقصی از دین و به ویژه آموزه انتظار در فرهنگ دینی عده‌ای از مردم رسوخ کرده و از آن جایی که تثبیت و ترویج فرهنگ‌های دینی صحیح در جامعه ثمره فعالیت‌های عالمان دینی است، تثبیت و ترویج فرهنگ‌های غلط و ناقص دینی نیز می‌تواند نتیجه عملکرد و تبیین سطحی همان عالمان باشد. نگاه حداقلی به آموزه مهدویت و انتظار و باور به دعابسندهی و انتظاری خاموش در جامعه نیز ممکن است از فهم سطحی برخی عالمان دینی نشأت گرفته شده باشد که برون داد این روش فهم به عنوان معرفت دینی در جامعه تزریق می‌شود (ارشادی نیا، ۱۳۸۶ ش: ۲۵).

این جریان به دلیل نگاه فقهی به مسائل جامعه و معطوف بودن توجه‌شان به ابعاد فردی انسان و به جهت خلوص‌گرایی و دوری از التقاط و انحراف، و نه ناتوانی دین در حلّ معضلات اجتماعی - برخلاف تجددگرایان سکولار (سروش، ۱۳۸۸ش: ۱۳۷؛ ۱۶۳) - معتقد است افزودن هرگونه مسئولیت دنیوی و جمعی به دین و القای جهت‌مندی به آن، گوهر ثمین دین را در معرض انواع آسیب‌ها و مصائب جبران‌ناپذیری قرار داده و سبب دوری از اهداف اصیل دینی می‌شود. در این رویکرد برای حضور دین در صحنه اجتماع عمدتاً برنامه دقیق و منسجمی وجود ندارد و باورمندان این رهیافت به دنبال تحقق تحقیقات دینی خود در جامعه نیستند و یا بهتر بگوئیم در عینیت بخشیدن معارف دینی در جامعه موفق نبوده‌اند. در دیدگاه این عالمان، انتظار یک تکلیف فردی بوده و مخاطب واقعی انتظار و معارف مهدوی جامعه و مناسبات اجتماعی نیست (عرفان، ۱۳۹۹ش: ۷۲). در این رویکرد به دلیل فهم ناقص از مفاهیم اسلامی و برداشتی عقیم از آموزه انتظار و عدم تبیین کارکردگرایانه از این آموزه، مصالح فردی بر مصالح اجتماعی ترجیح داده شده و اساساً تفسیری فردگرایانه از این آموزه ارائه می‌گردد (صدر، ۱۴۲۷ق: ۲۹۶).

سیاست‌گریزی منش غالب عالمان نواخباری، انجمنی‌ها (علیانسب و علوی نیک، ۱۳۸۸ش: ۷۷) و شریعت‌گرایان سنتی است و دوری از سیاست را مظاهر عمل به دستورات اسلامی و از شروط دین‌داری می‌دانند. مقام معظم رهبری ضمن انتقاد به تفسیری خنثی و تکلیف‌گریز از مقوله انتظار، حضور فعال در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی را از مصادیق بارز انتظار می‌داند (سایت مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹).

این فهم ناقص و معنای انحرافی از انتظار را می‌توان در افکار مکتب تفکیک و انجمن‌حجتیه مشاهده نمود (باقی، ۱۳۶۳ش: ۱۲۶). انجمنی‌ها که مبانی معرفت‌شناسانه خود را وامدار مکتب تفکیک^۱ هستند، با بی‌مهری به عقل، بی‌اعتنایی به بسیاری از آموزه‌های دینی همچون ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر، نگاهی جزیره‌ای به روایات، تفسیری عافیت‌طلبانه از انتظار ارائه می‌دهند و هیچ‌گونه تکلیفی را متوجه خود و مردم برای پیشبرد به سوی صلاح و اصلاح نمی‌دانند. این گروه عملاً با دعابندگی و تفسیری فردگرایانه از مقوله انتظار بدون هیچ تلاشی برای تسریع در امر ظهور، اشک و سوز و گداز را تنها نسخه شفا بخش

۱. مکتبی است که به جهت جداسازی شناخت قرآنی از شناخت بشری همچون فلسفه و عرفان توسط میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ق)، در مشهد تأسیس شد.

عصر ظهور معرفی می‌کنند (ارشادی نیا، ۱۳۸۶ ش: ۲۴).

۲. بی‌توجهی به نقش اراده انسانی در تحولات اجتماعی و تمدنی

بدون شک هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، با اذن و اراده الهی شکل می‌گیرد. اراده الهی به عنوان علت تامه، منشأ تمامی تغییرات عالم و اتفاقات جهان هستی است و بدون خواست او هیچ تغییری در عالم رخ نخواهد داد و آیات قرآن کریم شاهد و دلیل این مدعاست (انعام: ۱۴۹؛ بقره: ۱۱۷؛ آل عمران: ۴۷؛ قصص: ۵) ظهور به عنوان تحولی شکوهمند و تغییری مبارک نیز یکی از تغییرات اساسی عالم هستی که از قلمرو قدرت و اراده الهی بیرون نیست.

تفکر نواخباری و نگاهی ناقص به منظومه معارف اسلامی و مهدوی و اعتقاد به شکل‌گیری ظهور و تحقق آن در بستر معجزه، سبب شده که نقش حقیقی اراده در تحقق ظهور نفی گردد و اعتبار چندانی برای آن در نظر گرفته نشود (نصیری، ۱۳۹۹ ش: ۳۱۵). هرچند ممکن است از نتایج این نگرش نفی مطلق نقش اراده در تحقق ظهور باشد که اصولاً تلاش و فعالیت برای زمینه‌سازی ظهور و اصلاح جامعه و ایستادگی در مقابل ظلم و ظالمان به جایی نمی‌رسد و باید در گوشه‌ای نشست و از هرگونه اصلاح و امر به معروف و نهی از منکر دست کشید و در انتظار مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الیه به سر برد تا تنها اصلاحگر عالم از راه برسد و عالم را به سر منزل اصلی و کمال حقیقی خود برساند (صدر، ۱۴۲۷ ق: ج ۲، ۲۹۷).

اساساً زمینه‌سازی ظهور در این نگاه، امری ممتنع بوده و برخلاف نگرش مقابل که ظهور را امری اختیاری و ورایی می‌داند، مردم هیچ‌گونه نقشی در تأخیر یا تسریع آن ندارند، چرا که ظهور امری متافیزیکی و ماورائی است و تنها قدرت تأثیرگذار بر این امر آسمانی، قدرت و اراده خدا خواهد بود. از این رو امر ظهور همچون رخداد قیامت همه برنامه‌هایش یعنی اصل رخداد ظهور، زمان ظهور، نقشه ظهور، مقدمات ظهور و کیفیت اجرای ظهور از نظر کمی و کیفی، همه در آسمان طراحی شده و با همان برنامه و نقشه، در زمین با قدرت خداوند متعال اجرا می‌شود (الهی نژاد، ۱۳۹۷: ۲۰-۱۹).

در این نگرش منفی و منفعلانه به موضوع انتظار که از نگاه سطحی و برداشت نادرست نسبت به مفاد برخی روایاتی ناشی می‌شود و هرگونه حرکت و قیامی در عصر انتظار باطل و نافرجام تلقی می‌شود، و از پشتوانه صحیح علمی و معرفتی تهی است و نتیجه‌ای جز ایستایی و تکلیف‌گریزی ندارد، ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الیه کار خداست و تنها به اذن الهی، محقق

می شود، بنابراین امر ظهور و زمان آن به دست مردم و حتی خود حضرت نیست. اعمالی که برای شیعیان عصر غیبت در روایات ذکر شده هرچند می تواند در تسریع ظهور مؤثر واقع شود، ولی به عنوان یک قضیه شرطیه نمی توان آن را به حساب آورد تا تنها دلیل ظهور، زمینه سازی آن از طرف مردم و خواست مردم باشد (بنی هاشمی، ۱۳۸۴ ش: ۳۷۶-۳۷۵).

طبق آیات قرآن (رعد: ۱۱؛ نساء: ۱۵۵؛ مائده: ۱۳؛ اعراف: ۹۶؛ انفال: ۶۲) تغییر و تحول در سرنوشت جامعه و افراد به اراده آنها بستگی دارد و ایجاد تحول منوط به مقدمه سازی و اعمال اراده از طرف انسان هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ۱۸۱-۱۸۰) عده ای (نصیری، ۱۳۹۹ ش: ۳۱۲) ضمن نادیده گرفتن سنت های الهی و نگاهی جزیره ای به آیات و روایات، آیاتی همچون ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی دهد مگر آن که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند» (رعد: ۱۱) را صرفاً ناظر به تغییر وضعیت مثبت و متنعم فرد یا جامعه به وضعیتی منفی می دانند و معتقدند این سنخ آیات هیچ گونه اشاره ای به تغییر وضعیت منفی به وضعیت مثبت ندارند. در این نگرش اراده و خواست مردم برای اصلاح و به ثمرنشدن نهضت ها به عنوان یک قاعده کلی و همیشگی نیست، بلکه رابطه ای اکثری دارد (نصیری، ۱۳۹۹ ش: ۳۱۳).

۳. عدم باور به تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت

برخی علمای اصولی که از آنها به عقل گرایان تمدن ساز (رجبی، ۱۳۹۸ ش: ۱۴۲) یاد می شود علاوه بر پیدا کردن احکام الهی برای بیان وظایف مکلفان، مسئله اساسی دیگری را بر دوش خود می دیدند و وظیفه دینی خود تلقی می کردند که آن تشکیل حکومت در عصر غیبت بود. این عالمان دینی در مسیر پاسخ به مسائلی همچون مشروعیت تشکیل حکومت برای غیرمعصوم در زمان غیبت، وظیفه عالمان و مسلمانان در برابر حکومت و پاسخ به برخی اشکالات و شبهات در راستای نفی مشروعیت تشکیل حکومت در زمان غیبت تلاش های طاقت فرسا و ارزشمندی را انجام دادند. ولی در مقابل عده ای که از آنها با عنوان شریعت گرایان سنتی (همان) یا نواخباریان یاد می شود، با نگاه بُرشی به روایات منع قیام قبل از ظهور، تساهل در بررسی اسناد و نادیده گرفتن جهت صدور این روایات و عدم ارائه تحلیلی عقلی در باب روایات متعارض در این باب و با اعتقاد به آنارشیزم، البته با چهره ای مذهبی، هرگونه حرکت و تلاشی را برای تشکیل حکومت و برپایی احکام الهی قبل از قیام ظهور امام مهدی علیه السلام غیرمشروع و طاغوت خواندند (باقی، ۱۳۶۳ ش: ۱۰۶؛ آل سیدغفور، ۱۳۸۶ ش: ۳۲-۳۰). در

این اندیشه با ظاهرگرایی، یکجانبه‌گری و غفلت از فلسفه سیاسی اسلام، دین را به صورت تک‌بُعدی و به دور از سیاست معرفی می‌کنند و جدایی دین از سیاست را کمال دینداری و ورود در مناسبات سیاسی را نقطه مقابل معارف اسلام می‌پندارند. در تفکر آنها عاشورا تنها برای سوگواری و ماتم‌سرایی و انتظار تنها بر ناله و فغان و اشک خلاصه می‌شود (ارشادی‌نیا، ۱۳۸۶ش: ۲۹ و ۱۲۶).

نمودار زمینه‌های حجیت روایات نافی از قیام در دیدگاه اخباری‌گری



هرچند به دلیل ملاحظات سیاسی و اقتضائات زمانی، نمایندگان تفکرات انحرافی از مهدویت را نتوان به راحتی بازنشاسایی کرد و نتوان صاحبان نگرش‌های ترویج‌اباحی‌گری و عدم مشروعیت قیام در عصر غیبت و... را معرفی نمود و به منابع دست اول استناد کرد، ولی از بررسی‌ها و تحقیقاتی که حول چنین روایاتی انجام شده و علمای نواندیش تمدن‌گرا با نقدالحدیث و فقه‌الحدیث با این‌گونه روایات مواجه شده و عدم مشروعیت قیام را نقد کرده و تفکرات انحرافی را از دامن این آموزه دینی زدوده‌اند، می‌توان پی برد این تفکر از اعتقادات بخش گسترده و قابل‌اعتنایی از عالمان دینی و صاحب‌نفوذان اجتماعی بوده است که حتی بعد از پیروزی انقلاب با خطابه، چاپ کتابچه و بعضاً با پنهان‌کاری و تربیت نیروهای نفوذی ایده‌های انحرافی و سطحی خود را در جامعه ترویج و به اندیشه‌های دینی تزریق می‌کنند و هرچند در تالیفات و خطابه‌های دینی چنین اندیشه‌هایی با صراحت بیان نمی‌شود، ولی در محاورات اجتماعی و گنده‌های چندنفره از بیان چنین تفکراتی‌ابایی ندارند (همان).

عالمان نواخباری با نگاه سطحی و تصلب بر روایات مذکور و دیگر احادیث و با دوری جستن از هرگونه مظاهر سیاسی و حاکمیتی، اساساً تشکیل حکومت در زمان غیبت را از شئون فقیه ندانسته و با غفلت از زمینه‌سازی این حرکت عظیم و مهم در گسترش احکام الهی بین‌آحاد جامعه و مناسبات اجتماعی، هرگونه جنبش اصلاحگری را نفی و رد کردند. متأسفانه عدم همراهی این گروه - که حضورشان ضروری و سکوت‌شان تفرقه‌آمیز است - با عالمان عقل‌گرای تمدن‌ساز در تشکیل و تقویت حکومت و نظام اسلامی سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به این

عالمان و اساساً کارآمدی معارف دینی شده است. منشأ این خطا و برداشت ناصواب را باید در روش فهم دین این گروه جست‌وجو کرد. روش دین‌فهمی این جریان در سه حوزه معارف قرآنی، روایات و احکام عقلی سبب شده از چند روایت، عدم مشروعیت را فهم کنند (ارشادی-نیا، ۱۳۸۶ش: ۲۵).

روایت‌محوری در دیدگاه این عالمان سبب شده، قرآن به عنوان ثقل اکبر و معیار صحت و سلامت روایات^۱ در معرفت‌دینی مهجور مانده و در نگرش اخباری‌گری، احادیث اسلامی به جای قرآن نشسته و به زعم آنها کارکرد قرآن را ایفا می‌کند. این منبع معرفتی که قطعی‌الصدور بوده و هیچ‌گونه تحریف و جعلی در آن صورت نگرفته است، باید در منظومه معرفت‌دینی به عنوان محور قرار گیرد، چراکه برخی از روایات اسلامی و منابع روایی دچار آفات و آسیب‌هایی فراوانی همچون جعل، نقل به معنای ناقص، تصحیف و... شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ۴۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۵۲۴). امام خمینی رحمته‌الله علیه ضمن ضعیف و جعلی دانستن برخی روایات یاد شده، به شدت انجمن حجتیه و معتقدان به عدم مشروعیت تشکیل حکومت در عصر غیبت را نقد می‌کند و به طور ضمنی آنها را به محکومات قرآنی و روایتی ارجاع و تناقض رفتاری این افراد را دین‌فهمی و نص‌گرایی برملا می‌سازد (امام خمینی، ۱۳۸۸ش: ۶۵-۶۴).

نگاه سطحی به روایات، زیاده‌گویی برای جایگاه حدیث و کنار نهادن دیگر بنیان‌های معرفتی به‌ویژه قرآن و عقل از اصول مسلم رویکرد اخباری‌گری است. در این نگرش به دلیل حذف قرآن و عقل به عنوان دو منبع معرفتی در منظومه دینی، ناچار به اعتماد بر بسیاری از روایات خواهند شد تا بتوانند خلأهای معرفتی خود را ترمیم کنند و معارف و اندیشه‌های خویش را بر آن مبتنی سازند. در تحلیل روایات منع قیام عنصر عقل و استدلال‌های عقلی مورد توجه قرار نگرفته و همین امر سبب شده نگرشی ناصواب پدید آید (شیخ مفید، ۱۴۱۴ق: ۸۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۴۴۵).

عدم نگرش مجموعه‌نگر به روایات و جمع‌آوری خانواده حدیث از مصادیق این نگرش سطحی و جزئی‌نگر است. این رهیافت ناقص نسبت به نصوص دینی، فهم صحیح از روایات آموزه مهدویت را نیز دچار چالش اساسی کرده و یکی از برون‌داده‌های آن نگرشی ناصواب و غلط از روایات منع قیام در عصر غیبت است. دلیل نتایج به دست آمده از نگرش اخباری نسبت به

۱. شیخ کلینی در کتاب اصول کافی دو باب با عنوان «اِخْتِلَافِ الْحَدِيثِ» و «الْأَخْذُ بِالسُّنَّةِ وَ شَوَاهِدِ الْكِتَابِ» را به همین موضوع اختصاص داده و احادیث مربوط به تعارض و اختلاف احادیث و عرضه روایات بر قرآن را ذکر می‌کند.

روایات منع قیام، عدم توجه به قرائن داخلی (درون متن) و خارجی (بیرون از متن) است. در فهم این روایات اسباب ورود حدیث شناخته نشده و با چنین وصفی احادیث مورد پردازش قرار نگرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۲۹۱).

با عدم شناخت انگیزه و جهت صدور احادیث منع قیام نمی‌توان نگاهی دقیق و استنتاجی انیق به دست آورد و همین امر سبب شده عده‌ای روایات آحاد را بر مسلمات، محکمت و متواترات دینی مقدم کنند. در حالی که منظور از این روایات، قیام‌هایی است که بدون اذن و اجازه ائمه علیهم‌السلام یا نائبان عام امام در عصر غیبت صورت گرفته و یا با هدف دعوت به خویش و نه دعوت به سوی اسلام و معارف اهل بیت علیهم‌السلام انجام شده است. یکی دیگر از مصادیقی که می‌توان برای این روایات در نظر گرفت، قیام‌هایی است که در مقاطع خاصی صورت گرفته و شرایط زمانی و مکانی مناسب نداشته و صرفاً از روی ناپختگی و احساسات سطحی انجام می‌گرفته است. به بیانی دیگر اگر رهبر قیام به منظور دفاع از اسلام و قرآن، و مبارزه با استکبار و به قصد اجرای کامل قوانین اسلامی و تأسیس حکومت عدل الهی، و نه به عنوان تأسیس حکومتی در برابر حاکمیت الهی و دعوت به خود به عنوان مهدی، پرچم قیام را برافراشته و مردم را به یاری بطلبد، دیگر چنین پرچمی مصداق طاغوت نبوده، بلکه در مسیر حکومت جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف و بسترسازی آن خواهد بود و روایات مذکور چنین حکومت را طاغوت و مردود نمی‌شمارد (تبریزی، ۱۳۸۳ش: ۳، ۳۷؛ امینی، ۱۳۸۰ش: ۲۹۵).

ذکر این موارد بر فرض صحت این روایت است، ولی اگر قائل به جعلی بودن یا ضعف سندی و دلالی این روایات باشیم، دیگر جایی برای ذکر موارد فوق نیست و این روایات ارزش معرفتی خود را از دست می‌دهند (امام خمینی، ۱۳۷۶ش: ۶۳).

به دلیل عمومیت خطاب آیات (آل عمران: ۱۰۴ و ۱۱۰) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۵، ۵۷) امر به معروف و نهی از منکر مقصود از این واجب دینی امور جزئی نبوده، بلکه تکالیف بزرگ و اساسی را نیز شامل می‌شود. طبق روایاتی تحاکم بردن نزد طاغوت و سپردن قضاوت به طاغوت حرام است (همان: ج ۱، ۶۷) به طریق اولی سپردن امر فرهنگی و آموزش و دیگر مناصب کلان اجتماعی که تأثیرات گسترده دارد و به طور مستقیم با اعتقادات و ایمان مردم وابسته است، حرام و غیرمشروع است. بنابراین روایات منع قیام قبل از ظهور یا جعلی و موضوع هستند، یا از نظر سندی ضعیف، یا دلالت نارسایی بر موضوع دارند. روایاتی که از نظر سند صحیح بوده قضیه‌ای حقیقیه نبوده و موضوع آن تمامی قیام‌های قبل از ظهور نیست بلکه این روایات قضیه شخصیه یا روایات فی واقعه هستند. روایاتی نیز در تأیید قیام‌های قبل از

ظهور وارد شده که این خود دلیل دیگری بر فقدان عمومیت و اطلاق روایات منع از قیام در عصر غیبت است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۷، ۲۱۶).

۴. فقدان رویکرد تمدنی در مهدویت‌نگری

رویکرد اخباری سبب شده با اندیشه‌ی نص‌گرایی و بدون نگاه کلان و جامع به مقوله‌ی مهدویت و انتظار، معارف قرآنی و عقلانی مهدویت مورد غفلت واقع شده و هرگونه روایتی در این حوزه مورد پذیرش واقع شده، و بدون درایت و تفکر لازم، با سطحی‌نگری و نگاهی عامیانه، عاطفی - که به دلیل مغلوبیت و مهجوریت سیاسی و اجتماعی شیعیان در قرون متمادی بر رویکرد عقلانی غلبه پیدا کرده بود - و آرمان‌گرایی صرف به مقوله‌ی مهدویت و به طور خاص، انتظار نگریده شده است (عرفان، ۱۳۹۳ش: ۱۳۸). در این رویکرد عدم توجه به فلسفه قیام و معارف جهان‌شمول مهدویت و ظرفیت بی‌نظیر آموزه انتظار سبب شده تنها قرائتی سطحی و رویکردی عاطفی از این آموزه به چشم آید و فلسفه وجود و ظهور حضرت تنها به منجی بودن ایشان ختم شود. نمادگرایی، عدم توجه به فلسفه غیبت و انتظار، تقلیل‌گفتمان انتظار به مراسمات عاطفی و احساسی نیمه شعبان و مشغول شدن به ظواهر امور دینی بدون توجه به نگاه تمدنی از نتایج و مصادیق بارز این نوع نگاه حداقلی است.

رویکرد تمدنی به آموزه مهدویت، نگرشی نو به این آموزه است که مورد کنکاش مهدوی پژوهان معاصر قرار گرفته است. تمدن‌سازی دینی به معنای ابتدای تمدن، برپایه‌ی دین و پذیرش مرجعیت آن در تمدن‌سازی است (عرفان، ۱۳۹۳ش: ۸۲). برای پیوستگی روابط اجتماعی و نظام بخشی به اجتماع مردم باید از ظرفیت فرامذهبی و فراملی گفتمان مهدویت بهره برد. همین ظرفیت را می‌توان برای ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان یک عقیده مشترک بین ادیان و جهان‌شمول، فارغ از مرزبندی‌های زبانی، خونی، سرزمینی بهره جست. این آموزه که فهمی مشترک و عقیده‌ای همگانی برای تمامی ادیان الهی است، قابلیت آن را دارد که در عرصه حیات فرهنگی و اجتماعی مسلمانان و دیگر ادیان نقش آفرینی کند و با برجسته‌سازی آن و چشم‌پوشی از بسیاری تمایزات فکری و عقیدتی کم‌اهمیت به تمدن اسلامی دست یافت (همان).

از محک‌های کلام عالمان عقل‌گرا و تمدن‌ساز همچون امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری، ایجاد «تمدن نوین اسلامی» است. امر مهمی که در اندیشه این عالمان نواندیش و مجدد از اصلی‌ترین وظایف منتظران ظهور در عصر غیبت و زمینه‌ساز طلوع خورشید ولایت

عظمی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریح است که انقلاب اسلامی ایران با برداشتن گام دوم، وارد مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی قرار گرفته است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).
نگاه تمدنی به آموزه مهدویت را نمی‌توان در نگرش تمامی عالمان دینی معاصر مشاهده نمود، بلکه توصیه‌های فردی و انجام فرائض و دوری از معاصر برای منتظران ظهور در عصر غیبت در تألیفات‌شان برجسته‌تر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰ش: ج ۳، ۲۱۶). در نگرش عالمان متجمّد و نص‌گرا، دین اسلام منبع و منشأ قدرت و تدبیر امور و اداره جامعه نیست و پیشرفت مادی در زیر روشنی چراغ برافروخته معنویت امکان ندارد، به همین منظور چشم‌انداز فرهنگی و نگاهی تمدنی به آموزه مهدویت ندارند. نبود چنین نگاه نو و کارآمدی در اندیشه این عالمان بعضاً برگرفته از روش فهم‌شان نسبت به نصوص دینی و تصلب بر میراث باقیمانده از سلف است. شریعت‌گرایان سنتی عمدتاً به این ساحت و کارکرد از مهدویت نظر ندارند و این اندیشه در آثارشان مشاهده نمی‌شود. کهنه‌گرایی، ساختارزدگی و ترس از بدعت‌گذاری در ساحت اندیشه مهدویت، جرأت نظریه‌پردازی را از این گروه گرفته و عده‌ای از آنها صراحتاً ایجاد تمدن‌سازی در عصر غیبت را غیرممکن می‌دانند (نصیری، ۱۳۹۹ش: ۱۷).

۵. فروکاهش منزلتی منابع معرفت‌بخش و استناد به خواب و رویا

رؤیا، تجربه افکار، احساسات، عواطف و یا تصاویر به هنگام خواب است که در ذهن فرد نمایش داده می‌شود. این تجربه گاه هیجان‌انگیز و دلپذیر، و گاه دهشتناک و کسالت‌آور است. بشر در طول تاریخ اهمیت زیادی برای رؤیا قائل بوده و در برخی مواقع آن را پیامی از طرف گذشتگان، خدایان یا ابزاری برای پیش‌بینی آینده تلقی کرده است. در قرآن کریم هرچند سخن از رؤیای صادقه و خواب‌های مطابق با واقع انبیای الهی مطرح شده است و ارزش معرفتی والایی دارند، ولی این رؤیا در سطح پائین‌تر و غیرمعصومانه، همیشه دارای ارزش معرفتی و کاشف و مطابق با واقع نیست. در عرف بسیاری از مردم و حتی تحصیل‌کردگان ساده‌اندیش برای خواب یک ارزش و اعتبار افراطی تعریف شده و همیشه رؤیاها را نشان از یک واقعیت و حقیقت می‌پندارند. در چنین عرفی محدوده معرفت‌بخشی و اعتبار رؤیا مشخص نیست و رؤیای صادقه از کاذبه و خواب‌های پریشان و پراکنده تمییز داده نشده است (شهبازیان، ۱۳۹۴ش: ۷).

در حالی که در برخی کتب روایی (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۸، ۲۱۰-۲۰۹) میزان اعتباربخشی خواب مورد کنکاش قرار گرفته، در رویکرد اخباری بدون توجه به اقسام آن تمامی رؤیاها

حجت و معرفت بخش بوده و مورد استناد قرار می‌گیرند. تمسک افراطی به خواب و معرفت بخش دانستن آن یکی از عقاید ثابت و همیشگی برخی از عالمان معاصر بوده که در تأیید منش و روش خود از آن بهره می‌جستند. نقل رؤیا و ادعای دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خواب یکی از عوامل زمینه‌ساز در در پیدایی فرقه‌ها و اندیشه‌های انحرافی در معرفت دینی و آموزه مهدویت شده است (شهبازیان، ۱۳۹۴: ۱۷) و این مسئله به عنوان یکی از راه‌های شناخت و اثبات امامت حضرت معرفی می‌شود. انجمن حجتیه به عنوان یک جریان نص‌گرا که برداشتی سطحی و عقیم از مهدویت و آموزه انتظار داشته و بعضاً رسوبات فکری آن در روزگار فعلی قابل مشاهده است، با دست به دامن شدن به خواب‌های بی‌مبنا و غیرمستند به دنبال مشروعیت بخشی انجمن خود بوده و جریان و اندیشه‌های خود را مورد تأیید حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانستند (باقی، ۱۳۶۳: ۱۳۰ و ۱۹۸).

این رویه در میان عده‌ای از عالمان اخبارگرا^۱ نیز به چشم می‌خورد و بیان داستان‌هایی در قالب خواب و دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف در تألیفات و خطابه‌های دینی آنها مشاهده می‌شود. هرچند دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف در خواب امکان وقوعی و واقعی دارد، ولی این افتخار نصیب هرکسی نخواهد شد، قابل اثبات نبوده و یک امر عمومی و همیشگی نیست. خواب‌های غیرصادقانه و غیرمعصومانه حجت و دلیل شرعی نیستند، و حتی به صراحت در کلام معصومین عجل الله تعالی فرجه الشریف حجت آن در مسائل عقیدتی و فقهی نفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۴۸۲).

کاشف الغطاء خواب و رویا را به عنوان یکی از دلایلی که اخباریون برای حرمت توتون به آن استناد کرده‌اند، ذکر می‌کند. اخباریان برای حرمت توتون و تنباکو به خواب برخی انسان‌های متقی استناد می‌کنند که عده‌ای از اتقیاء امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خواب دیده‌اند و امام آنها را از شرب توتون منع کرده است. کاشف الغطاء این دیدگاه را به نقد کشیده و می‌نویسد:

الاحلام لا تكون شواهد الاحكام باتفاق علماء اهل الاسلام (کاشف الغطاء، ۱۳۱۹: ش:

۸۳):

به اتفاق علمای اسلام، خواب‌ها نمی‌توانند به عنوان شاهد و دلیل احکام قرار گیرند.

در کتاب *بیان الأئمة للوقایع الغریبه و الاسرار العجیبه*، دلیل فتوا به حلیت قمه زنی، تشرف یکی از علما خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است (حکیم، ۱۳۹۱: ش: ج ۱۴، ۶۲؛ نجفی، ۱۴۲۴: ق:

۱. میرزا حسین نوری در کتاب‌های *جنة المأوی فی ذکر من فاز بقاء الحجة* عجل الله تعالی فرجه الشریف و *نجم ثاقب در احوال امام غائب* عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۴۶۲-۴۶۱).

وقتی علمای اخباری برای یک حکم شرعی با آن حساسیت این گونه به خواب استناد می کنند و معرفت بخشی آن را مسلم پنداشته اند، به طریق اولی خواب هایی که خالی از حکم شرعی است و شخص مدعی می شود که امام زمان عجل الله فرجه را در خواب دیده و نکته ای اخلاقی فرموده، صحت و معرفت بخشی اش برایشان قطعی است. این مبنا سبب شده امروز برخی از مبلغین دینی و خطباء اعتبار خواب را حقیقتی غیرقابل انکار پنداشته و به زعم خود منابرشان را با نقل رؤیا و نقل تشرفات برخی از مؤمنین به خدمت امام زمان عجل الله فرجه زینت بخشند!

در نگاه عالمان نص گرا که نگاهی قشری به روایات و معارف دینی دارند، بدون توجه به مبانی معرفت شناسانه و حکم عقل، خواب و رؤیا مستند احکام شرعی، معارف اخلاقی و مبانی اعتقادی قرار می گیرد (همان). این عالمان دینی با توجه به برخی روایات،^۱ بدون توجه به شبهه مصداقیه در رؤیاهایی که در آن ادعا می شود یکی از معصومین در خواب رؤیت شده، با این که قبلاً چهره هیچ یک از معصومین را ندیده اند، آنچه را در خواب مشاهده می کنند به عنوان چهره یکی از معصومین تطبیق می دهند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ش: ۱۳۹).

در رویکرد اخباری که با سطحی نگری و پذیرش افراطی و عدم کنکاش درباره میزان اعتبار بخشی و ارزش معرفتی خواب هایی که در آنها ادعا شده امام عصر عجل الله فرجه دیده شده است، بدون توجه به پیامدهای پذیرش افراطی چنین رؤیاهایی، به صورت گسترده در خطابه ها و تألیفات شان^۲ یافت می شود. برخی از عالمان دینی معاصر در عدم حجیت خواب در مباحث اعتقادی و علمی، نسبت به پذیرش افراطی و خارج از قاعده چنین خواب هایی هشدار داده اند که در صورت قبول این گونه رؤیاها دیگر هیچ حد و مرزی بین خواب و مکاشفات عرفای وجود نخواهد داشت و با عدم معیار و منبع الزامات و التزامات فقهی در عصر غیبت، دیگر راهی برای راستی آزمایی و نفی و اثبات چنین اموری وجود نخواهد داشت و در حالی که در عصر غیبت منابع استنباط (کتاب، سنت، عقل و اجماع) مشخص و قابل نقض و ابرام است، بسیاری از احکام الهی تغییر خواهند کرد و هر کس می تواند با نقل یک خواب و ادعای رؤیت معصوم در رؤیایی دین سازی کند (جوادی آملی، ۱۳۹۴: ش: ۱۴۱).

۱. از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى لَأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ فِي صُورَتِي وَلَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي؛ اگر کسی مرا در خواب ببیند قطعاً مرا دیده است، چرا که شیطان به صورت من و صورت هیچ یک از اوصیای من ظاهر نمی شود» (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۲، ۵۸۵).

۲. ر.ک: کتاب بیان الاثمه للوقایع الغریبه و الاسرار العجیبه، نوشته محمد مهدی زین العابدین.

نتیجه‌گیری

اخباری‌گری به عنوان جریانی فعال و تأثیرگذار در دانش و فرهنگ شیعه با تمسک به روشن‌محدثان، روایات اهل بیت علیهم‌السلام را مهم‌ترین منبع در عقاید، اخلاقیات، تفسیر و فروع می‌دانند. در نگرش عالمان اخباری علوم عقلی جایگاه برجسته‌ای نداشته و به روش‌های اجتهادی و رجالی متأخرین از علما اعتنایی ندارند. در اندیشه بسیاری از این عالمان، قرآن مهجور واقع شده، نگاهی مجموعه‌نگر به روایات وجود ندارد و عقل حجیت و شأنیت حقیقی خود را از دست داده و کاربست آن صرفاً به عنوان ابزار و به صورت محدود مورد توجه است. این جریان هرچند از منظر تاریخی شیوه و مکتبی پایان یافته به حساب آمده و دیگر به عنوان یک مکتب رسمی از آن یاد نمی‌شود، ولی رسوبات و ریشه‌های فکری این جریان در اندیشه برخی عالمان شیعی و استنباطات فقهی و یافته‌های کلامی، اخلاقی و تفسیری وجود دارد.

برخی از عالمان شیعی معاصر، از اندیشمندان و صاحب‌نظران بزرگ شیعه اثنی‌عشری و اندیشمندی که به لحاظ شخصیت اجتماعی دارای نفوذ کلمه بوده و موضع‌گیری‌های مهم اجتماعی و سیاسی داشته و در یک قرن اخیر زیسته‌اند، در حوزه مهدویت به عنوان یکی از آموزه‌های اصیل اسلامی از رویکرد اخباری‌گری متأثر بوده و رسوبات فکری اخباریان در اندیشه این عالمان هرچند به صورت پنهان و پیچیده‌تر نمایان است.

در اندیشه شیعی معاصر عالمانی که از آنها به نواخباریان یاد نمودیم، در ساحت نظری از رویکرد اخباری در حوزه مهدویت تأثیر پذیرفته‌اند. این عالمان دینی به سبب متأثر بودن از تفکرات اخباری‌گری نگاهی جامع به آموزه مهدویت نداشته و به دلیل رویکرد خاص نسبت به فهم دین، نقش برجسته‌ای برای اراده انسانی در تاریخ زندگی فردی و اجتماعی اعتنایی قائل نیستند و مقوله ظهور را اساساً یک امر حصولی تلقی کرده و نگاهی سطحی و حداقلی به آموزه انتظار دارند. نواخباریان به دلیل عدم باور به حجیت عقل در تحلیل و تبیین روایات مهدویت و غفلت از محکومات قرآنی و روایی و نادیده گرفتن جهت صدور روایات موسوم به منع قیام قبل از ظهور، در مشروعیت تشکیل حکومت در دوران غیبت تشکیک کرده و یا انگیزه‌ای برای همراهی و همکاری با چنین حکومتی ندارند.

نگاه قشری به روایات و بی‌مهری به دیگر منابع معرفتی، سبب نگاهی سطحی به آموزه مهدویت شده است. این نگاه جزئی به باورداشت مهدویت سبب شده که نگاه حاکم در طول تاریخ به این آموزه، با افراط در نقل و باور به حجیت و معرفت‌بخش بودن خواب و رؤیا در تشریح به خدمت امام زمان علیه‌السلام و نقل داستان‌های خرافه و تطبیق‌های بی‌منطق و بی‌دلیل،

صرفاً یک دید نجات بخشی باشد و توجهی به معارف بلند، تعالیم عمیق آن و کارکردهای تمدنی آن نشود، که در این صورت با یک مهدویت بی روح، بی خاصیت و خنثی و خاموش مواجه خواهیم بود.

در پایان می‌سزد برخی از مهم‌ترین مسئله‌های پژوهشی در این عرصه مطالعاتی به مهدویت پژوهان ارائه گردد.

ردیف	عنوان
۱	بررسی تحلیلی گرایش به اخباری‌گری افراطی در عرصه آموزه مهدویت در ایران عصر انقلاب
۲	بررسی بازتاب رویکرد اخباری‌گری در عرصه آموزه مهدویت در مطالعات استشرافی
۳	سنخ‌شناسی رویکرد اخباری‌گری در تحلیل انتظار مهدی موعود <small>عجل الله تعالی فرجه الیه</small>
۴	سبک‌شناسی رویکرد اخباری‌گری در پاسخ به شبهات کلامی در عرصه آموزه مهدویت
۵	بازنمود تاریخی رویکرد اخباری‌گری در تحلیل روایات علائم الظهور
۶	آسیب‌شناسی رویکرد اخباری‌گری در تحلیل روایات علائم الظهور
۷	نقش رویکرد اخباری‌گری افراطی در خوانش‌های ناصحیح از آموزه مهدویت
۸	نقش رویکرد اخباری‌گری افراطی در پیدایی جریان‌های انحرافی مهدویت
۹	بررسی تحلیلی تأثیر و تأثرات جریان اخباری‌گری در مهدویت پژوهی معاصر
۱۰	تحلیل حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی جریان اخباری‌گری در عرصه باورداشت آموزه مهدویت

منابع

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
 صحیفه سجادیه
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، *الخصال*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
 ۳. ارشادی نیا، محمدرضا (۱۳۸۶ ش)، *از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک*، قم: بوستان کتاب.
 ۴. استرآبادی، ملا محمد امین (۱۴۲۶ ق)، *الفوائد المدنیة و بذیله الشواهد المکیة (المسائل الظهیریة*

- جوابات المسائل الظهیریة)، تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: نشر اسلامی، دوم.
۵. امیرمعزی، محمدعلی (۱۳۹۵ش)، تشیع ریشه ها و باورهای عرفانی، ترجمه: نورالدین الله دینی، تهران: نامک، دوم.
۶. امینی، ابراهیم (۱۳۸۰ش)، دادگسترجهان، قم: شفق، بیست و چهارم.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر اسلامی.
۸. انصاریان، حسین (۱۳۹۴ش)، تفسیر حکیم، قم: دارالعرفان.
۹. آل سیدغفور، سیدمحسن (۱۳۸۶ش)، جایگاه سیاسی عالم دینی در دو مکتب اخباری و اصولی، قم: بوستان کتاب، دوم.
۱۰. باقی، عمادالدین (۱۳۶۳ش)، در شناخت حزب قاعدین زمان (موسوم به انجمن حجتیه)، تهران: دانش اسلامی، سوم.
۱۱. بنی هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴ش)، راز پنهانی و رمز پیدایی، تهران: نیک معارف.
۱۲. تبریزی، جواد (۱۳۸۳ش)، ارشاد الطالب الی تعلیق المکاسب، قم: دارالصدیقه الشهیده، چهارم.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰ش)، انتظار بشر از دین، قم: اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش)، نسیم اندیشه، قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴ش)، ادب فنای مقربان، تحقیق: محمد صفایی، قم: اسراء، دهم.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶ش)، امام مهدی موعود موجود، گردآورنده: سیدمحمدحسن مخبر، قم: اسراء، سیزدهم.
۱۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
پتان برای انتشار
۱۸. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، انسان ۲۵۰ ساله، تهران: انتشارات صهبا، دوازدهم.
۱۹. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۲ش)، انتظار بشر از دین، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۰. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۰ش)، جریان شناسی ضد فرهنگ ها، قم: تعلیم و تربیت اسلامی، هشتم.

۲۱. خمینی، مصطفی (۱۳۷۶ش)، *ولایة الفقیه العوائد والفوائد دروس الأعلام و نقدها*، گردآورنده: محمد سجادی اصفهانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۲. رجیبی، ابوذر (۱۳۹۸ش)، «آسیب شناسی جریان شریعت گرای سنتی در مواجهه با روایات منع قیام در عصر غیبت»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال سیزدهم، شماره ۵۰.
۲۳. روحی، نبی الله (۱۳۹۲ش)، «چشم انداز گفتمان تمدن گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *مطالعات راهبری بسیج*، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
۲۴. سایت مقام معظم رهبری (۱۳۹۲ش)، *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*.
۲۵. سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۸۸ش)، «نظریه تغییر و نقش آن در زمینه سازی ظهور»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال سوم، شماره ۱۱.
۲۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸ش)، *قبض و بسط تئوریک شریعت*، تهران: صراط، یازدهم.
۲۷. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۸ش)، *مدارا و مدیریت*، تهران: صراط، چهارم.
۲۸. سلیمان، کامل (۱۴۲۷ق)، *یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی علیه السلام*، تهران: برهان.
۲۹. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۹ش)، *آسیب شناسی تسامح در نقل روایات مهدویت با تأکید بر آثار روایی معاصر*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳۰. شجاعی مهر، رضا؛ لک زایی، نجف (۱۳۹۷ش)، «کاربست آموزه مهدویت در سپهر سیاسی انقلاب اسلامی ایران»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال دوازدهم، ش ۴۶/۱.
۳۱. شهبازیان، محمد (۱۳۹۴ش)، *خواب پریشان*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳۲. صادقی رشاد، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، *دین پژوهی معاصر (درنگی در گفتمان های سه گانه متجدد، متجدد و معجد)*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سوم.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰ش)، *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام*، قم: وحدة النشر العالمية.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۲ش)، *مجموعه الرسائل*، قم: انتشارات آیت الله صافی گلپایگانی.
۳۵. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۴ش)، *قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ*، تهران: صدرا، پانزدهم.

۳۶. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۵ش)، *انقلاب مهدی و پندارها*، ترجمه: سیداحمد علم الهدی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، پنجم.
۳۷. صدر، سید محمدباقر (۱۳۸۸ش)، *سنت های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سیدجمال موسی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم.
۳۸. صدر، سیدمحمد (۱۴۲۷ق)، *موسوعة الامام المهدي (تاریخ الغيبة الكبرى)*، قم: دارالکتاب الاسلامی، دوم.
۳۹. طباطبایی حکیم، سیدمحسن (۱۳۹۱ق)، *مستمسک العروة الوثقی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چهارم.
۴۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، پنجم.
۴۱. طباطبایی، سید محمدکاظم (۱۳۹۰ش)، *منطق فهم حدیث*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته علیه.
۴۲. طوسی، ابوجعفر محمد (۱۴۱۷ق)، *العدة فی أصول الفقه*، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم: تیزهوش.
۴۳. عاملی، زین الدین (۱۴۲۰ق)، *المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفية*، تحقیق و تصحیح: گروه پژوهش مرکز تحقیقات و پژوهش های اسلامی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۴. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۳ش)، *نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: دفتر نشر معارف.
۴۵. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۵ش)، «اثر بخشی کارکردگرایانه آموزه مهدویت در نظام اخلاقی تمدن اسلامی»، *انتظار موعود*، سال شانزدهم، شماره ۵۴.
۴۶. عرفان، امیرمحسن (۱۳۹۹ش)، *نیازسنجی مهدویت پژوهی*، قم: انتشارات مرکز تخصصی مهدویت.
۴۷. علیانسیب، سیدضیاءالدین؛ علوی نیک، سلمان (۱۳۸۸ش)، *جریان شناسی انجمن حجتیه*، قم: انتشارات وثوق.
۴۸. عنایت، حمید (۱۳۶۲ش)، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه: بهاء الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

۴۹. کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۱۹ق)، الحق المبين في تصويب المجتهدين وخطئة الأخباريين، تهران: احمد الشيرازي.
۵۰. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق)، الكافي، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم.
۵۱. مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: دار احياء التراث العربي، دوم.
۵۲. مجلسي، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، قم: دارالكتب الإسلامية، دوم.
۵۳. مجلسي، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، قم: مؤسسه فرهنگي كوشانپور، دوم.
۵۴. مرندی، ابوالحسن، مجمع النورين، تحقيق حسين جعفري زنجاني، نسخه دیجيتالي: <https://library.tebyan.net>
۵۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، مجموعه آثار، تهران: صدرا، دهم.
۵۶. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۴ق)، تصحيح اعتقادات الإمامية، قم: كنگره شيخ مفيد، دوم.
۵۷. موسوی خمینی، سيد روح الله (۱۳۸۸ش)، ولايت فقيه (حکومت اسلامي)، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه، بیستم.
۵۸. موسوی خمینی، سيد روح الله (۱۳۸۹ش)، صحيفه، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله عليه، پنجم.
۵۹. نجفی، محمد مهدي (۱۴۲۴ق)، بيان الاثمه للوقایع الغریبه والاسرار العجیبه، بيروت: دارالمحجة البيضاء، دوم.
۶۰. نصیری، مهدي (۱۳۹۹ش)، عصر حیرت، قم: انتشارات كتاب طه.
۶۱. نعمانی، محمد بن ابراهيم (۱۳۹۷ق)، كتاب الغیبه، تحقيق: علی اكبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۶۲. نمازی شاهرودی، علی (۱۳۸۵ش)، مستدرک سفینه البحار، قم: مؤسسه نشر اسلامي، سوم.
۶۳. نوری، حسین (۱۳۹۳ش)، نجم ثاقب در احوال امام غائب، قم: مسجد مقدس جمکران، شانزدهم.

۶۴. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۵ش)، مهدویت پژوهی (مسئله شناسی، معرفت شناسی و مبانی شناسی)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۶۵. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۷ش)، مردم وزمینہ سازی ظهور، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۶۶. یزدی حائری، علی بن زین العابدین (۱۴۲۲ق)، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۶۷. www.farsi.khamenei.ir

